

صفحه اول  
جلد پنجم  
شماره چهارم  
قیمت اشتراك  
۱۷ م

# جَنَابُ الْخَاتَمِ

۱۳۲۹

PAGE 1  
VOL V  
N: 4  
سالی يك و الروميه  
ماه عظيم سنه ۷

این مجریه بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهان آن از روی دروس الیگانی بیشتر و وحدت ادیان و ترویج صلح عمومی و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقایق این دین عمومی خواص نوشت و مقالات مفید که موافق سبیل او را تسبیح و نشر خواهد گردید

## وَجَدُ الْكَلِمَةَ الْكَلِمَةَ

نطق مبارك حضرت عبد البهاء در کلیسای مومندین  
در مونته کلیه امریکا ۱۲ ماه مرسته ۱۹۱۲

و بصراطلاعی حاصل نماید مادام در عالم خلوق که عالم  
حدیث است تفاوت مراتب مانع از ادراک است  
پس چگونه حقیقت انسانی که مخلوق و حادث است  
میتواند ادراک حقیقت الهیه کند این ممکن نیست  
چرا که حقیقت الهیه مقدس از ادراک است از این  
گذشته آنچه بنصورت آید محاط است [و حقیقت  
الهیه محیط] آیا ممکن است محاط ادراک محیط نماید  
این ممکن نیست که حقیقت انسانی محیط و حقیقت  
الهیه عالم باشد حال آنکه ذات عالم و حقیقت  
الهیه محیط است پس آنچه بنصورت آید آن  
الوهیت نیست زیرا حقیقت الوهیت بنصورت نمی آید  
لهذا حتمیة الهیه مظاهر متعدد است و مبعوث  
می نماید و تجلیات نامتاهیه بر آن مظاهر الهیه اشراق  
نماید و آنها را واسطه فیض نماید  
این مظاهر مقدسه که انبیا هستند مانند مرآتند  
و حقیقت الوهیت مانند آفتاب که در اشراق بر آنها  
می تابد و مرایا استفاضة از آن شمع حقیقت می نمایند  
لکن آفتاب از علو خود نازل نموده و در مرایا خود نکرده  
نهایت مرایا در نهایت صفا و قابلیت استعدا است  
مرایا از عالم الهی است و حقیقت الوهیت از روح  
تقدس است هر چند حرارت آفتاب می تابد و مرایا از آن

در این جمع محترم میخواهم ذکر از وحدانیت الهیه کنم  
این در صحبت که حقیقت حادثه نمیتواند ادراک  
حقیقت قدیمه نماید . چون ملاحظه در کتاب  
میکنیم بینیم تفاوت مراتب مانع از ادراک مقامات است  
مثلا عالم جماد هر چند ترقی کند خبری از عالم نبات ندارد عالم  
نبات هر قدر نشو و نما نماید از عالم حیوان خبر نگیرد حیوان  
هر چه ترقی کند تصور ادراک سمع و بصر نتواند زیرا از  
حواله او خارج است هر چند وجود دارد و از عالم  
انسان بجز چه که عالم انسان مافوق است لهذا هر چه  
ترقی کند ادراک حقیقت انسانی نتواند تفاوت مراتب  
مانع از ادراک است پس هر رتبه ماده و غیره مافوق  
را ادراک نکند حال آنکه جمیع درجه خلقند چه  
جماد و چه نبات و چه حیوان و چه انسان لکن تفاوت  
مراتب مانع از ادراک مثلا وجود این نبات موجود  
و ما از او مطلع چرا که مافوق او هستیم لکن این نبات  
از ما خبر ندارد و هر قدر ترقی کند ممکن نیست این جمع

از آن استفاضه نمایند و کل از او حاکی لکن شمس از خود  
 نزول نماید چو لنگر و شمس حقیقت بر برای متعدده  
 اشراق نماید هر چند برای متعدده ولی شمس یکی است  
 صفات الهیه یکی است حقیقت یکی است نور واحد است  
 که بر برای اشراق نموده حال بعضی عاشق آفتابند علیاً  
 او را در هر آینه مینیند تعقیب بر یا ندارند تعقیب بافتاب  
 دارند در هر آینه که باشد آفتاب ایستند اما  
 آنها نیک آینه را مینیند از مشاهده آفتاب در آینه  
 دیگر میروند مثلاً آنها نیک برات موسی را دیدند  
 و مؤمن بودند چون آفتاب در برات موسی اشراق نمود  
 تعقیب برات موسی شدند عاشق آفتاب نبودند  
 از حقیقت برات عیسی ندیدند لهذا محروم  
 ماندند و حال آنکه شمس حقیقت در برات عیسی در  
 اشراق بود و انوارش ظاهر تر با وجود این هنوز  
 نبود متمم برات موسی نبود و محروم از مشاهده آفتاب  
 حقیقت خلاصه شمس وحدت و نور بود  
 واحد و بر جمع کمکات یکسان اشراق نماید و هر کانی را  
 از او نصیبی پس ما باید انوار را برستیم از هر آینه فی  
 که باشد تعصبی نداشته باشیم زیرا تعصب مانع حقیقت  
 است چون اشراق واحد است لهذا باید حقایق انانی را  
 مستفیض از نور واحد کردند و آن اشراق واحد جامع  
 است که جمع را جمع نماید این قرن چون انوار است شمس  
 حقیقت جمع بشر را روشن نموده چشمها را بیا کرده  
 گوشها را شنوا نموده نفوس را زنده فرموده ما هم با  
 در نهایت الفت باشیم چه که کل مستفیض از یک شمس  
 هستیم و انوار یک شمس بر کل تابیده بلکه این نزاع  
 شمس از رساله زائل شود این حوزنیزها تمام گردد این  
 تعقیبات بر طرف شود این عداوتها از میان برداشته  
 شود نور محبت الله بناید کل با هم مرتبط گردیم تا جمع  
 در ظل خیمه وحدت عالم انکار الحاد باشیم و در سایه علم

صلح اکبر ما و عجبیم و بجمع بشر مهربان شویم  
 مناجات  
 خداوند مهربان که با جمیع مابندگان آستان  
 تویم و جمع در ظل وحدانت تو آفتاب رحمت  
 بر کل شرق و ابر عنایت بر کل بیابان الطافت شامل کل  
 است و فضلت از قیاس کل جمیع عاقله فرمائی و کل را  
 بنظر مکرمت منظر داری ای پروردگار الطاف  
 بجایمان شامل کن نور هدایت بر افروز چشمها روشن  
 کن دلهای سرد را بوی بخش نفوس را روح تازه ده  
 و حیات ابدیه احسان فرما ابواب عرفان بکش نور ایمان  
 تا بان نما در ظل عنایت کل را متحد کن و جمع را متفق  
 فرما تا جمیع انوار یک شمس شوند امواج یک دریا  
 گردند اثمار یک شجر شوند از یک چشمه نوشند  
 از یک نیم باهتر از آنند از یک انوار اقتباس نمایند  
 توفی دهند و بخشند و توفی

بجبر اختر : این خطاب مبارک در قلوب  
 موحّدین بسیار مؤثر واقع شده علی الخصوص  
 رئیس محرمشان دست مبارک گرفته و بانهایت  
 القاس معروض داشته که در خانه شان تشریف  
 ببرند و یک ساعتی استراحت فرمایند اینست که  
 با هم تشریف بردند و در آنجا رئیس کتابی تقدیم  
 حضور نمود که دعای بدست اهل حضرت عبدالمطلب  
 مرقوم شود فوراً این مناجات از قلم مقدس نازل شده

پروردگارا پاک بزدانا شکر ترا که کوه و صحرا  
 پیچوده گشت و محیط اعظم دنیا قطع شد تا آنکه ما این  
 اقلیم رسیدیم و در این کشور نام و نشان تو بر زبان  
 ما نرسید حق در این کلیسا مانند ایلایانند و بملکوت  
 تو نمودیم خداوند اهل این کلیسا را منجذب

جای خورش زها و و پناه خود محفوظ و مصون بدار  
و مبارك فرما ع ع

میزرا محمود زرقانی

خبری رسیده است که جناب آقا میرزا محمود زرقانی  
حسب امر مبارك از مساحت اقدس مخلص شدند  
که به هندوستان مراجعت نمایند و کالتابو پیش  
نجات الله قیام فرمایند . بمجربا اختر حضرت شار  
الیه را تهنیت بنماید که الحمد لله در این یوم الایام به  
خدمت آستان مبارك چه در شرق و چه در غرب  
موفق شدند و مصدر عنایات لایحسو گشتند  
و در این مقام بقیه قصیده شان که در شماره سوم  
چاپ شده است درج میگردد :-

صلح بین ملل و وحدت نوع انسان

و تعالیم و نوایس بها اگر دو دیان  
کرد باید چه شه عهد با سیر و سلوک  
تا که اندک آسایش مملوک و مملوک  
قطع سائیم بن محضه و شوك شكوك  
فیض بخشیم در هر کشور و اقلیم و بلوک  
همچو آهوی فتن در همه اقطار و دیار  
نخله نایفه اسرار نمایم ایشان  
تا که عالم همه ایجت اسرار کنیم  
و حدت اهل بهار اسرار کنیم  
علم و عرفان عمل عسکر جبار کنیم  
شکر جهل در اقطار جهان خدا کنیم  
نصرت و عوذ و عطا از شیطان یابیم  
با تضرع نه در ش قدرت یزدان یابیم  
ای مبارك شمر سده بنای بها  
نظری با نغاسری احبای بها

ساز سوز دلشان سازونی نای بها  
تا کنند عالمیان را همه شیدای بها  
ز آتش عشق تو هر ستر و ججایی سوزند

دل ز غیر از قومتانند و بیادت دوزند  
دست و دل از همه جز حجب لغایت شویند  
در مطاعت و در راه و فایبت پویند  
نعت و صفت و خلد رضایت جویند  
ز شمع هر نفسی نعت و ثنا گویند  
شاگرد فضل تو کردند ز جان با تقدیس  
کشد الطاف درت شامل هر نفس  
غیر یزدانی از انوار خت حاصل شد  
ظلمت جهل و جفا از کرمت زایل شد  
نعت سدها از جود و درت کامل شد

روح قایم ز لوح و قلم نازل شد  
گشت از جامه تو قلم اسرار پدید  
شد زین نفس است انفس و افاق جدید  
در صفت عشق لقای تویی عهد است  
کرد عشاق خت را همگی سرخوش و مست  
ساخته دلها از شمع شینت و باد پرست  
همه از بهر ثبات سر جان بر کف دست  
جمله شیدا عشق لب و رخ تو شدند  
همه سودای آن طره موی تو شدند  
شکر کا خرد دیوانه پریشان تو شد  
سر لودانده چون کوی بیدار تو شد  
تن محمود ایاز در احسان تو شد  
از به لطف و کم چاکر و در باز تو شد  
با وصال رخ تو هدم و دمساز آمد  
در شای در تو شاد و سرفراز آمد  
مجبور اختر باز از قبل احبای شریک از خنده از خواب که اشک از چشم حقیقی  
ببخورد ز یاد فرماید "والله یوفق من یش علی ما یشاء"

### مذمت تربیت

ضرورت امر تعلیم و تربیت و اجمت احوال قوی علی امری نیست که امروز  
 بر احد مجهول باشد تا در این رشته و موضوع بسط بیان  
 و جلب اذهان حاجت افتد و بنا بر این در مقدم و حجاب این  
 امر مهم هر چه گفته شود اقبیل اظهار بدیهیات خواهد بود  
 و البته بر همان تراوی البصائر پوشیده نیست که مدرسه  
 مبارکه تربیت از بد و افتاح تا کون با اثر تفضلات و یائیدات  
 الهیه طوری بر مدایج کمال افزوده که آوازه شهرتش گوشه  
 عموم و در زبانها شده و این مسئله نیز چندین بوضوح  
 پیوسته که توفیح آن نظیر بی حاصل است و اندک نکته و ترجمه  
 پیش از هر صفحه کتابت حقیقت این معنی را ظاهر می سازد  
 اینک همیت قدر بنحو اختصار طرطرها لک معارف پروردگار  
 دوست را تذکر می شویم که پارسال هیئت مدیره این مدرسه  
 علاون بر شش کلاس ابتدائی شروع بتشکیل کلاسهای  
 متوسطه علی کرده و با وجود حصول همه قسم موانع دو  
 سال آن را بطور ناقص تأسیس نمود و امسال حسب الزوم  
 در صد آن بر آمده که نواقص آن دو کلاس را تکمیل کرده  
 و بعلاوه با اجازه و تصویب وزارت جلیله معارف دو کلاس  
 دیگر نیز بر آن بیفزاید و معلوم است که در صورت عدم  
 قدرت مجبور خواهد بود که بکلی از کلاسهای متوسطه  
 نظر کرده بهمان طبقات ابتدائی اکتفا نماید و با جرفی در توفیح  
 می شود که هر قدر تشکیک این چند کلاس برای مدرسه تربیت  
 استیجاب استیجاب استیجاب استیجاب استیجاب استیجاب استیجاب  
 سایه فتور خواهد بود بنا بر تخمین عادلانۀ عمالتا علاون بر کسر  
 بود چه کلاسهای ابتدائی که محتاج باصلاح است افلاک  
 یکصد تومان برای انجام این مقصود بر تخرج سابق مدرسه  
 اضافه می شود و بدیهی است که موفقیت چنین امر جلیل  
 بدون تعاون و معاضدت ایات ذیالکمالیه صورت نپذیرد  
 علی هذا هیئت مدیره مدرسه مبارکه تربیت بر آنکه احوال

در اجراء و نظیمه مفروضه حد تذکره باشد قبض اعانه  
 ترتیب داده و با نهایت اعتدال از هر خواهان تربیت طلبت  
 تأییداتهم تقاضای نماید که ولو با عانت مبلغی قلیل خود را  
 سرهم این خیر کثیر فرموده و مریدان و یوقات الهیه را  
 در تقویت این نیت جالب شرمند این مسئله را نیز برای  
 تذکره عرض می نمایم که مدرسه مبارکه تربیت صورت  
 اندر دخل و خرج مدرسه برای مزید اطلاع اطینانی در  
 آخر هر سال طبع نموده منتشر خواهد ساخت در  
 خامه قول انحضرت احدیت جلت عظمته همون توفیق  
 غیبیه را در از دیاد اتحاد و استحکام روابط قلوب  
 بر بان و جان و دل ملت می نمایم

### مختصر باختر

تربیت فوق العاده ترقی کند ولی "انتهای امور ظاهره  
 اسباب ظاهره لایم است" لهذا مساعدت هیئت  
 مدیره این مدرسه بر همه واجب است و الله لا  
 یضیع اجر المحسنین

### ترقی امر الله ذاریکا

علاون بر اینکه احبای الهی شب و روز بتبلیغ امر الله  
 مشغولند اغیار هم بی اختیار از تعالیم حضرت  
 بهاء الله و بیانات حضرت عبدالهتاء منجذب شدند  
 و در محلات علیه و آتیه و جرائد یومیه حردشان  
 هر چه بدست شان می رسید از مقالاتی است که جریح  
 باین امر عظیمه دارد به کمال ممنونیت چاپ و منتشر  
 می نمایند و هذامن مبرات هذالظهور الجدید  
 ولوی مبارکی در این خصوص این ایام بافتخار  
 امه الله مس ویت (شهرنار) نازل شده است  
 قوله الأهل :-

شیکاندر امه الله شهرنار مس ویت علیها بهاء الله لایحی

هو الله

ای شهناز خوش آواز نامه و جریه سید حال جزای عالم  
از هر طایفه خطابه‌های احبوا الله را غنیمت میدانند و در هر  
غزایش نشر میکنند ملاحظه کن قوه امر الله را که بیگانگان مثل  
دوستان ترویج امر الله مینمایند و افتخار میکنند و حال که برای  
نیتند و در هر هیچ یک از مظاهر مقدسه امر الله بقوت یزد  
بها و الله بنوده و این اختصاص حضرت بهاء اولی که با او  
بستایش امرای پرداخته اند و مؤمن و غیر مؤمن معترف بظلمت  
این امر هستند و هذا من فضل ربی و علیک البهائم الامی  
عبد البهائم قیاس

صدای روزنامه

ترجمه روزنامه پسر لایه بد است همکاری بمرستان بزبان  
الماتی طبع شده شماره ۷۵ سال ۶

بسیار بهائی که در شرق برای تعدیل افکار و اخلاق ظاهر شده  
شعبه خطابه‌ی در کالاهیم یا سلطان او خواهند نمود و با  
فایده‌ای که بواسطه پرفسور برانوس ترجمه خواهد شد این  
دین جدید تقلید یا ملا پرستی نیست هر چند رسالت  
دینیته ندارد و تعالیمش سادست و با عمل بان سر  
ممتنع است پیروان آن بسیار و هنوز عده‌شان در  
معین عقیدت کردن یکی از تعالیم اولی و وحدت عالم انسانیست  
و دیگر اتحاد ادیان و موستس این امر والدایشان حضرت  
بهاء الله از بزرگان ایران بوده اند و پیش از ایشان باب  
در سنه ۱۸۶۴ در ۲۳ ماه قی ظاهر شد هزاران  
پیروان این شهید و مقتول شد ولی بالعکس این شهادت  
سبب تقویت این امر شد و بواسطه حضرت بهاء الله این امر  
در سایر بلاد نیز منتشر شد اما برای نشر این تعالیم حضرت  
بهاء الله بلیات و صعوبات شدیده دیدند و چسب عکاس  
افتادند و در سنه ۱۸۹۲ صعوبات نمودند و حضرت

عبد البهائم بین رجانشین اینا گشتند و در انقلاب و  
مشروطه ترکی عبد البهائم آنرا شدند و این امر را  
عظیم یافت مگر مختلفه از ممالک متعدد امریک و کلفه  
ترکستان عربستان مسلمان یهود مجوس و نصاری  
و ظن این شخص جلیل جمع شدند ایشان اظهار معجزه یا  
شفای امراض نمیکند ولی بواسطه بیانات روحی عقول  
و نفوس صحت و ترقی میدهند علی الخصوص از قوه  
جذابتی که در ایشان است هر شخصی متعلق میشود امر  
ضعیفه و بعضا کمال را شفا میدهد و اما عظمت این  
در اتحاد عمومی است که نفوس از طرف مختلفه در این شاهراه  
روضا وارد میشوند و ترک خورد پرستی و غرور میکنند  
حضرت عبد البهائم سرور ممالک تعلیم میدهند و اینکه  
باید جمیع خدمت نوع بشر نمایند و خیر خواست نوع انسان  
بگوشند همچنین باید ترک تقالید و اوهام دینی نمایند  
و قلب را از کلایش عداوت بیگانگی پاک کنند تا شرق و غرب  
مانند دو دلبران در آغوش شوند خیمه صلح عمومی عالم  
افزاید . در این امر رهبانت نیست . باید بواسطه  
اعمال خیریه انسا ممتاز باشد بدوجه یکی اگر یکی از شما  
وارد شهر شود باید در خیر خواهی صلح و سلام از کل ممتاز  
باشد تا جمیع شهادت دهند که این شخص فی الحقیقه  
بهائی است با اعمال ثابت نمایند که بهائی حقیقی است !  
بجهت نشر این تعالیم حضرت عبد البهائم بمداومت توفیق  
آوردند و انجمن بهائی در جمیع بلاد منعقد است  
و این تعالیم را بالسن مختلفه ترجمه و طبع و نشر مینمایند  
ما باید قدر دانیم که این شخص جلیل با این کبریا  
پس از مسافت امریکا کالیفرنیا و بلاد دیگر و در بلاد  
شدند با چهار نفر خدمت که یکی از آنها میرزا احمد سرایب ترجم  
و بعد از ورود دکتر گیس و این و مستر گناس کونس  
رئیس دارالفنون و پروفیسر جهانس و عزیز خود خوش آمد  
در ورود مبارک که تشرف حاصل نمودند .

انصافاً

نهم روز ماه نیوز پسر جنرال بدست ۱۲ اپریل ۱۹۱۳

عبدالبهاء عظیمی

حضرت عبدالبهاء عباس رئیس امریهائیان دیشب در تالار پارلمان هنگام خطابہ فی الواقع بودند در آن محفل جلیل که مخصوص ایشانها شده بود و در حضرت عبدالبهاء حکایات الفیله و لیلہ در انظار محترمین و ایشان شریف فرمای این شهر شده اند تا تعالیم اتحاد و محبت این نوع انسان ترویج نمایند رؤسای شهر و زنان و مردان محترم همه بالمباسهای فاخر برای استماع خطابہ ایشان حاضر شده بودند عجب تر این بود که اشخاصی از اصحاب منصبان حربیه مفتون مسائل صلح بودند و جمعی از عقلائی کار بدان این مملکت نیز حضور داشتند در محفل خطابہ حضرت عبدالبهاء با عجز و غمازه سفید و لباسهای بلند شرقی ایستاده نطق می فرمودند همیشه شرقی ایشان بر همه نمایان بود و جمعی از بیرونیها و اعیان در محفل اطراف ایشان نشسته بودند و صورتشان و بیاناتشان بسیار سلیس و طبع و چنین معلوم می شد که از خاندانی هستند که قرون ماضیه دارای ثنات و کجاست بوده اند و عاقله نجیبه جلیله ابرار و از جمله تعالی که بیان فرمودند صلح عمومی و تساوی حقوق رجال و زنان بود و اینکه اختلاف مایه محبت و محبت و اتحاد است حیات و در انسان قوه روحانیه باید غالب بر قوه حیوانیه باشد زیرا در زندگی شان حیوان است گرگ تا آنکه برای قوت می دردی خورد اگر مالول با پایم بیکشیم اما اگر شخصی هزار انسان در ساعتی غرق خون نماید اول اشجاع گوئیم این جای اسفاست ما آنکه باید در صلح و صلاح کوشیم و سبب رحمت و سعادت

عالم انسانی شوم

مردم انقدر از خطابه ایشان شادمان شدند که بسیار دست زدند و اظهار سرور نمودند سترالکنند و ایسین که شخصی از کشیشان محترم کاتولیکهاست به عبارت شیرین این مهمان محترم را معرفی نمود و آخر مجلس بانرا از جانب خود و حضار اظهار تشکر و ممنونیت صمیمی از تعالیم عالیہ صادره از فرم این معلم جلیل شرف نمود .

از ارض مقدسه

بقلم جناب آقا میرزا علی اکبر نجفی علیہ السلام

" الحمد لله هیکل انور الطهر حضرت موسی الوری روحی لفرادینہ القداء کالسلامتی را دارند و تقریباً یک هفته است تشریف بردند به طبریه . مسافرت هر روز دسته وارد می شوند یک قیامت است آنانکه تازه وارد می شوند با وجد و سرور بی پایات آنانکه مرخصند با چشم گریان می روند و همچنین تلامذه مدرسه کلمه بیروت آمدند و بکمال روح و مرجان شرف شدند ناقصین که مرده بودند از این عبور مسافرت دیگر نفس از ایشان قطع شده است "

تجربیات : انرا عباى الهى که شرف هستند القاس و عادات چشم همه روشن . و آنانکه مرخصند انشاء الله ببلای غافلون میشوند و اما اهل النقص " الذى نقص المهد ليعنه الملك و الملكوت "